

شناسایی عوامل موثر بر امکان بروز فساد مالی (مطالعه موردی: بانک های دولتی شهرستان جهرم)

محمد هادی قناعت پیشه

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تطبیقی و توسعه، دانشگاه آزاد کرمان.

نام نویسنده مسئول:

محمد هادی قناعت پیشه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر امکان بروز فساد مالی در میان بانک های دولتی شهرستان جهرم بوده است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، پژوهشی توصیفی-پیمایشی بود. جمعیت آماری در تحقیق حاضر، شامل کلیه کارمندان بانک های دولتی شهرستان جهرم به تعداد ۱۲۰ بود که با استفاده از روش تمام سرشمار، همه آنها به عنوان حجم آماری، به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود (آلفا=۰/۷۸۱) نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد به ترتیب اولویت، عوامل اقتصادی به میزان بتای ۰/۸۸۵، عوامل ساختاری اداری به میزان بتای ۰/۶۳۹، عوامل رفتار مدیریتی به میزان بتای ۰/۵۳۷ و عوامل فرهنگی به میزان بتای ۰/۵۱۸ بر بروز فساد مالی به طور مستقیمی (با توجه به علامت آماره t) موثرند و فرضیه تایید شد.

واژگان کلیدی: فساد مالی، بانک های دولتی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل ساختاری، عوامل مدیریتی.

مقدمه

فساد از پدیده های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل های اولیه حکومت وجود داشته است. در زیر مجموعه فساد، فساد اداری مالی نیز گریبان گیر همه کشورها بوده و اقدامات بسیاری در پیشگیری یا مقابله با آن به انجام رسیده است. فساد مالی بر اساس تعریف سازمان شفافیت بین المللی^۱، آن دسته از فعالیت های کارکنان و مسئولان دولت را شامل می شود که اولاً به منافع عمومی لطمه بزند و ثانياً هدف از آن، رساندن فایده به عامل یا به شخص دیگر باشد و باعث آسیب رساندن به اقتصاد کشور می گردد (نورعلی دخت، ۱۳۹۶).

منظور از فساد و اختلاس، هرگونه برداشتن و تبدیل پول، اموال و کالاهای گران بها در جهت منافع شخصی و نیز برداشت از دارایی هایی است که به صورت امانت به فردی سپرده شده است. خویشاوندسالاری یا پارتی بازی، دربرگیرنده سوء استفاده از حق قانونی است که فرد در سازمان دارد و از آن به صورت خاصی استفاده می کند. اینکه کارگزار و دستگاه های عمومی بنا بر سلیقه های شخصی از حق خود استفاده می کنند، جنبه تبعیض آمیز پیدا می کند (بهشتی و خان محمدی، ۱۳۹۹).

فساد زمانی رخ می دهد که تصمیم گیرندگان در انجام وظیفه خود که عمل به شیوه بی طرفانه و منصفانه برای فراهم کردن رفاه اجتماعی است، تخطی کرده و در عوض، منافع ناروا برای خود و یا نزدیکانشان فراهم کنند. فساد مالی می تواند فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیر زمینی سوق دهد و موجب پرورش و تقویت سازمان های غیر قانونی و مافیایی شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. فساد، همچنین، هزینه های غیر پولی به صورت تأخیر ناشی از بوروکراسی، مشکل پردازش اطلاعات و افزایش ناطمینانی را به جامعه تحمیل می کند (مهدوی، ۱۳۹۶). در هر جامعه ای تمایل و فرصت از لوازم تولد فساد اداری توسط کارمندان است. فساد زمانی رخ می نماید که مرز مشخصی بین سیاست های اقتصادی کشور و کسب و کار بخش خصوصی نباشد می توان رواج بی اخلاقی را نیز دلیل بر شیوع فساد دانست؛ زیرا تا قبل از شیوع سودجویی سیاسی و فساد اداری هیچ گاه اخلاق تا بدین اندازه اهمیت نداشته است. بی اخلاقی و نبود عفت عمومی، مهمترین علت وقوع فساد است پژوهشگران بسیاری از پژوهش ها محققان به دنبال یافتن عوامل بسترساز فساد در سازمان های مختلف هستند. شخصیت و ادراک کارکنان از وضع کاری، سبک رهبری مدیران و عوامل سازمانی چون بی عدالتی در اجرای قوانین، ساختار نامناسب پاداش، فرهنگ ضعیف سازمانی، ابهام در مورد عملکرد شغلی و ارزشیابی کارکنان، نبود ساختاریافتگی تصمیم گیری ها و نقش عوامل سازمانی از عوامل بروز فساد است. در نتیجه نقش محوری رفتار منابع انسانی تضمین کننده صحت اجرای سیاست ها و دستیابی به اهداف سازمان است (نورعلی دخت، ۱۳۹۶). شیوه های اندازه گیری فساد عبارتند از: الف) پیمایش دیدگاه ها و نظریه های شهروندان، شرکت ها، مقامات دولتی، متخصصان و ناظران خارجی و بخش خصوصی یا همان ادراک از فساد. ب) روش های خرد که فساد را در سطح سازمان ها و با توجه به ویژگی های نهادی آنها بررسی می کنند. ج) حسابرسی دقیق پروژه ها. مؤسسه گالوپ نیز از سه شیوه برای ارزیابی فساد یاد می کند: الف) اندازه گیری ادراک افراد و گروه های هدف مختلف از میزان شیوع فساد؛ ب) اندازه گیری شاخص های رفتاری بروز فساد؛ ج) ارزیابی نظرهای متخصصان درباره سطح رواج فساد (بهشتی و خان محمدی، ۱۳۹۹).

در زمینه نظام های کنترل و نظارت تحقیقات نشان می دهند، کنترل و نظارت اگر به شکل صحیح انجام نگیرد، مانند ویروس پخش می شود. زیرا در صورتی که فردی در سطح پایین تر در سلسله مراتب سازمانی از خطا و فساد همکارش میگذرد، افراد دیگر چه در سطح پایین، چه در لایه های بالاتر سازمانی با دیدن این مسئله به نوعی الگوبرداری می کنند و رویه ناصحیح را نوعی الگوی صحیح می پندارند، در واقع، وقتی این اتفاق می افتد، سازمان فاسد می شود و احتمالاً سازمان ها و نهادهای مرتبط نیز بخطا را گزارش نمی کنند، البته قطعاً در این زمینه آن ها به دنبال فایده هایی که به آن می رسد، هستند. از دلایل دیگر فساد اداری به ویژه در جهان سوم، فقر و معیارهای پایین و غیرعادلانه پرداخت در ادارات است. برای مثال معیارهای پرداخت در سراسر آفریقا از همان زمان مستعمراتی، پایین بوده است و در مقایسه با تورم افزایش زیادی نداشته است. به طوری

¹ Transparency International Organization

که حقوق های پرداختی به کارکنان در ازای انجام خدمات دولتی برای ۲۰ سال گذشته مناسب بوده و در حال حاضر، جوابگوی مخارج کارمند دولتی نیست. این موضوع در اغلب کشورهای جهان سومی صادق است (زرندی و همکاران، ۱۳۹۵). دستمزدی که پرداخت می شود اکثراً قادر به تأمین هزینه های زندگی یک کارمند متوسط دولت از نظر تغذیه، مسکن، پوشاک و جز آن نیست. از این رو، موجب می شود کارکنان دولت برای ادامه حیات اعمالی را که به طور عمدۀ مصادق فساد است، مرتکب شوند. فساد اداری ناشی از حقوق و دستمزد نامطلوب، علاوه بر مشکلاتی که برای سازمان ایجاد می کند، بر شهر و کشور نیز تأثیر نامطلوب دارد و باعث تغییراتی در شاخص های اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی می شود (محمدی بارزلی، صورآذر و صورآذر، ۱۳۹۷).

دیدگاه های مختلف پیامد های زیانبار فساد اداری-مالی عبارتند از: دیدگاه فردی، فساد اداری-مالی، آثار زیانباری دارد. از جمله، بروز ناهنجاری های روحی و روانی، بروز اختلافات خانوادگی، خدشه دار شدن اعتبار و حیثیت فرد و نبود هدایت مناسب استعداد های فردی. از دیدگاه سازمانی، فساد اداری مالی، موجب کاهش بهره وری سازمان و زمان و انرژی به جای صرف شدن برای دستیابی به اهداف، وقف ایجاد شکاف در سامانه می شود. ضمن اینکه فرایند توسعه منابع انسانی، آسیب دیده و فضایل اخلاقی کم رنگ، و ارزش های منفی در سازمان ایجاد می شود. از سوی دیگر، هزینه های اداری برای مصرف کنندگان به دلیل افزوده شدن هزینه های فساد به هزینه های اداری عادی، افزایش می یابد و ضمن آلوده سازی کارکنان سالم و ایجاد جو دل سردی و بی اعتمادی در آنها، صداقت و امانت آنها را زیر سؤال می برد و کیفیت خدمات عمومی را کاهش می دهد (نورعلی دخت، ۱۳۹۶).

از دیدگاه اجتماعی، فساد اداری - مالی، مانع رشد رقابت سالم و باعث عقب راندن تلاش ها در به منظور کاهش فقر و بی عدالتی می شود؛ ضمن اینکه فساد اداری - مالی موجب تضعیف اعتقاد ملت ها به توانایی خویش، و با سرایت آن از گروه های نخبه به رده های پایینتر جامعه، باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده ای قابل پیشبینی می شود. از دیدگاه اقتصادی، فساد اداری - مالی به افزایش هزینه های زندگی مردم همچون افزایش قیمت ها، افزایش درآمدهای نامشروع و توجیه غیرمنطقی عقب ماندگی های اقتصادی منجر می گردد و سرمایه گذاری را به مسیر غیرمولد و غیر کارکردی سوق می دهد که همه این موارد مانع رشد اقتصادی می شود یا سرعت رشد و توسعه اقتصادی را کند می کند. از دیدگاه فرهنگی، فساد اداری - مالی سبب می شود که اعتماد و وفاداری مردم نسبت به سازمان ها کاهش یابد؛ تنبلی و بی کفایتی گسترش یابد و اعتقادات و ارزش های اخلاقی جامعه سست شود. از دیدگاه سیاسی، فساد اداری - مالی از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت ها می کاهد؛ ثبات و امنیت جوامع را به خطر می اندازد و ارزش های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می سازد؛ به عبارت دیگر، موجب زائل شدن حکومت مداری مطلوب و دموکراسی و کاهش احترام به قانون اساسی، و از این طریق مانع توسعه سیاسی جامعه می شود (نورعلی دخت، ۱۳۹۶).

گاهی علل فساد ریشه در سنت های بوروکراتیک، توسعه سیاسی و تاریخ اجتماعی دارد. فساد مالی به واسطه ضعف های سازمانی گسترش پیدا می کند و این عوامل در شکل گیری فساد در بخش دولتی شناسایی شده اند: (۱) کنترل های نامطلوب اجتماعی، (۲) قوانین متروک، (۳) فزونی تقاضا، (۴) سیاستمداران کارآفرین، (۵) دیوانسالاری حاد، (۶) احتیاط بیش از حد، (۷) ترتیبات اداری ناقص و کنترل های ناکافی. برخی نامتجانسی اجتماعی و فراوانی مقررات و منابع را به عنوان عوامل افزایشدهنده فساد مالی، متغیرهای اقتصادی (مصرف دولت و سطح توسعه) آثار سیاسی و فرهنگی (تمرکز حزب، وجود سازمان های داوطلب و شرکت نکردن در انتخابات ملی)، قانونگریزی مدیران، عدم پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم ارزیابی عملکرد، بوروکراسی زائد بخش دولتی و ناکارآمدی سیستم نگهداری، افزایش تمایل به گزارش کمی به مافوق (آمار صوری)، وجود جو قانون شکنی، افزایش تمایل مسئولان به کتمان تخلف اداری، بی توجهی به جابجایی به موقع کارمندان مالی، زمانبر بودن فرایند رسیدگی به جرم، فردگرا شدن جامعه، بالا بودن سطح توقعات خانواده، پایین بودن هزینه های اجتماعی فساد در جامعه، نبودن شفافیت، سیستم تنبیه و مجازات و عدم اطلاع رسانی به عموم اعلام کردند (کریمی پور و مهدوی، ۱۳۹۶).

در باب عوامل اقتصادی موثر بر فساد، فساد زمانی رخ می دهد که تصمیم گیرندگان در انجام وظیفه خود که عمل به شیوه بی طرفانه و منصفانه برای فراهم کردن رفاه اجتماعی است، تخطی کرده و در عوض، منافع ناروا برای خود و یا نزدیکانشان

فراهم کنند. فساد مالی می تواند فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق دهد و موجب پرورش و تقویت سازمان های غیرقانونی و مافیایی شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. فساد، همچنین، هزینه های غیر پولی به صورت تأخیر ناشی از بوروکراسی، مشکل پردازش اطلاعات و افزایش نااطمینانی را به جامعه تحمیل می کند. آثار اقتصادی فساد در پژوهش های اخیر بیشتر بر بحث قیمت گذاری دارایی ها و نقص های بازار مانند نامتقارن بودن اطلاعات و نااطمینانی سرمایه گذاران در مورد عملکرد تجاری متمرکز شده است. نامتقارن بودن اطلاعات و نااطمینانی سرمایه گذاران، هردو از سطح فساد تأثیر می پذیرند زیرا اطلاعات مربوط به منافع کسب شده از فساد، به صورت عمومی در بازار منتشر نمی شود (جین، کووت و پاگانوک^۲، ۲۰۱۷).

برخی نیز عوارض و پیامدهای اقتصادی شیوع مفاسد مالی در کشور را در چهار دسته شامل آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع، آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها، آثار منفی بر کارایی اقتصادی و آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی تقسیم بندی می کنند. از این دیدگاه، پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی است (کریمی پور و مهدوی، ۱۳۹۶). امروزه فساد مالی صاحبان مقام و قدرت در سطح داخلی کشورها و نیز در سطح جهانی، به چالش اساسی در جوامع بشری تبدیل شده است. گوناگونی مصادیق فساد مالی از یک سو و عواقب مخرب آن در نظام اقتصادی کشورها از سوی دیگر، بر اهمیت توجه به این جرم و راه کارهای پیش گیری و مبارزه با آن می افزاید. با توجه به روند افزایشی سطح فساد مالی در سالیان اخیر در کشور و لزوم شناسایی درست عوامل اثرگذار بر آن به منظور مقابله همه جانبه با آثار مخرب فساد مالی، هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر امکان ایجاد فساد مالی در بانک های دولتی استان فارس است.

آبراهام، کورنیادی، آندانساری، منورونگ و وارنارس^۳ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با هدف پیش بینی رفتار فساد مالی توسط تمایلات افراد به احساسات اخلاقی، یعنی شرم و گناه در چهار بانک بزرگ خصوصی در جاکارتای اندونزی به این نتیجه رسیدند که اخلاقی و نقص در قرارداد روانی و احساسات اخلاقی شامل رفتار منفی گناهکارانه و شرمندگی در فساد مالی افراد موثر بود. کوهرلر و دایمنسیسکو^۴ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با هدف بررسی خطر فساد مالی در خرید داروهای عمومی به این نتیجه رسیدند که تدارکات سازمان بهداشت در برابر فساد مالی آسیب پذیر است و فساد مالی در پروسه خرید فقط به یک سطح از دولت و یا فقط به وزارت بهداشت محدود نمی شود. عدم وجود مکانیسم های پاسخگویی، شفافیت در روند خرید از عوامل موثر بر این امر هستند. شانترز یاراس، ددولیس، گوگیو و لونتیس^۵ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با هدف بررسی رابطه مذهب و فساد در گزارش ها و افشاگری های داوطلبانه مالی بانک های ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که هر جا مذهب و دینداری در سازمان بالاتر باشد، فساد کمتر و افشاگری های داوطلبانه بهتری رخ می دهد. جنسیس^۶ (۲۰۱۹) در پژوهش خود با هدف بررسی علل و تأثیرات فساد سازمان های غیر انتفاعی به این نتیجه رسید که این سازمان با سواستفاده های مامورین و کارمندان خود موسسات خیریه، به صورت مداوم و عمدی، دچار فساد هستند. وجود فساد در موسسات خیریه، آنها را به سازمان های تقلبی بدون خطر قانونی تبدیل کرده است. از عوامل موثر دیگر بر فساد در این سازمان ها، عدم وجود یک هیات رای گیری مستقل و انجام ممیزی صحیح می باشد. تانگ، سوتارسو، لیم و تئو^۷ (۲۰۱۸) در پژوهش خود با هدف بررسی نگرش به پول و شاخص درک مفاسد در بین مدیران سازمان ها به این نتیجه رسیدند که عدم صداقت مدیران سازمان ها با کارمندان و عدم رعایت ارزش های اخلاقی، موجب گرایش به فساد مالی می گردد. گارسیرا، استج، دنکرس و هوسمن^۸ (۲۰۱۸) در پژوهش خود با هدف بررسی چگونگی شکل گیری فساد مالی توسط عوامل سازمانی و فردی در بین مقامات دولتی به این نتیجه رسیدند که

² Jain, P.K., Kuvvet, E. & Paganoc M.S.

³ abraham, kurniadi, andangsari, manurung, and warnars,

⁴ kohler and dimancesco

⁵ chantziaras, dedoulis, gougiou and leventis

⁶ jancsics

⁷ tang, sutarso, lim, and teo

⁸ gorsira, steg, denkers and huisman

کارمندان بخش دولتی و خصوصی که جو سازمانی خود را بیشتر خودخواهانه و دارای اخلاق کمتری می دانند، بیشتر در معرض فساد هستند. این رابطه به طور کامل توسط انگیزه های فردی، به ویژه توسط هنجارهای شخصی و اجتماعی در مورد فساد واسطه شد. این نتایج نشان می دهد که کارکنانی که جو اخلاقی سازمان خود را احساسات منفی تر و کمتر دارای اخلاق می دانند، هنجارهای شخصی و اجتماعی ضعیف تری دارند تا از فساد مالی خودداری کنند و آنها را مستعد فساد می کند. از این رو به نظر می رسد استراتژی های مربوط به تعامل بین عوامل سازمانی و انگیزه های فردی در مهار فساد مالی امیدوار کننده باشد. بوگاتف^۹ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با هدف بررسی تأثیر میزان فساد ادراک شده بر سودآوری بانک در تونس به این نتیجه رسید که رابطه مثبتی بین سودآوری بانک و سطح فساد اقتصادی وجود دارد. این نتیجه شگفت آور حاکی از آن بود که بانک های تجاری تونس از سطح بالای فساد سود می برند. همچنین یافته ها نشان داد که سودآوری بانک با سطح سرمایه و نقدینگی رابطه مثبت دارد. در مقابل، کیفیت پایین دارایی با سودآوری پایین همراه است. منصور، حسینی قمی و مصلحتی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با هدف بررسی زمینه های اجتماعی رواج فساد اقتصادی (مالی) و اداری شهرداری های مناطق و بانک ها (صادرات و پاسارگاد) در شهر تهران به این نتیجه رسیدند که مهمترین زمینه های اجتماعی وقوع فساد اقتصادی و اداری عبارتند از: پایبندی مذهبی و اخلاقی، اعتماد نهادی، آزادی های مدنی، نظام خویشاوندپروری اداری و میزان قبح فساد در جامعه. با توجه به مضامین به دست آمده از یافته های تحقیق می توان گفت که عدم پایبندی مذهبی و اخلاقی در افراد زمانی که با عدم وجدان کاری و اخلاق حرفه ای باشد، عدم اعتماد نهادی با کاهش رضایت شغلی، تعهد سازمانی، کاهش اطمینان و ایجاد انحراف شغلی، عدم شفاف سازی و گردش آزاد اطلاعات به علت عدم آزادی های مدنی، وجود نظام خویشاوندپروری اداری با به وجود آوردن امور خلاف قانونی چون اختلاس، پارتی بازی، فروش اطلاعات محرمانه سازمان و نظایر آن، عدم قبح فساد از طریق تبدیل آن به یک ارزش در جامعه می توانند زمینه ساز رواج فساد اقتصادی و اداری باشند. خضری، تربتی مقدم و نظری (۱۳۹۶) در پژوهش خود با هدف شناسایی زمینه های فساد اقتصادی (مالی) در مناقصه های دولتی به این نتیجه رسیدند که از بین چهار عامل اصلی شناسایی شده (ساختار رانت جویانه مناقصه های دولتی، سیاسی بودن فرایند برگزار ی مناقصه ها، اقتدار بوروکراتیک و ضعف سازوکارهای نظارتی)، ضعف ساز و کارهای نظارتی مهم ترین عامل است. اگرچه عامل ساختار رانت جویانه، از نظر خبرگان، اهمیت کمتری نسبت به سایر عوامل دارد، ولی در واقع فساد اقتصادی در مناقصه های دولتی عملی رانت جویانه و روشی برای دستیابی به رانت هاست. سایر عوامل زمینه ساز نیز دستیابی به منابع رانت را تسهیل می کنند. این عوامل، هماهنگ با یکدیگر، در نهایت، کاهش قیمت نسبی فساد و در نتیجه، شکل گیری آن در مناقصه های عمومی را سبب می شوند. کریمی پور و مهدوی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه های دولتی از دیدگاه حسابرسان دیوان محاسبات استان های فارس و کرمان به این نتیجه رسیدند که هفت عامل اثرگذار بر فساد مالی عبارتند از: ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش های اخلاقی، ضعف ساختار اداری، ضعف نظام های کنترلی، ضعف نظام اقتصادی، ناکارآمدی نظام حاکمیتی، ضعف های مقرراتی و نبود شایسته سالاری. مهمترین عامل اثرگذار بر سطح فساد مالی، ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش های اخلاقی و متغیر نبود آموزش لازم، بیشترین اثر را بر این متغیر عاملی داشته است. رحیمی و خوئینی (۱۳۹۵) وضعیت اجرای قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد را در سال ۱۳۹۰ بررسی کردند. بر اساس بررسی های میدانی انجام شده، پژوهشگران ملاحظه کردند که با وجود گذشت نزدیک به چهار سال از تصویب این قانون، هنوز بخش قابل توجهی از آیین نامه های لازم برای اجرایی شدن آن تصویب نشده است و در برخی موارد هم که آیین نامه ها و دستورالعمل های لازم تصویب شده است، به دلیل مشکلات اجرایی از جمله عدم تصویب و تخصیص بودجه لازم برای این مقررات، اجرای قانون با مشکلات متعدد و موانع جدی روبرو شده است. بنابراین، یکی از موانع کاهش و کنترل فساد در حوزه های موضوعی آن به اجرا نشدن صحیح و مؤثر این قانون باز می گردد. از این رو، لازمه بهبود شاخص فساد، زمینه سازی برای اجرای همه جانبه قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد است.

با توجه به مسائل بیان شده، پژوهش حاضر سعی بر پاسخ گویی به این سوال است که چه عواملی بر امکان بروز فساد مالی بانک های دولتی شهرستان جهرم مؤثر است؟

مبانی نظری پژوهش

سنت پارسونزی، لومن (۱۹۸۲)^{۱۰} با متمایز کردن سه نوع سیستم کنش متقابل^{۱۱}، سیستم سازمانی^{۱۲} و سیستم جامعه‌ی^{۱۳} نحوه تقلیل پیچیدگی در نظام های اجتماعی مختلف را با هم مقایسه می کند. در سیستم کنش متقابل که مختص جوامع سنتی و شرایط هم حضوری افراد است، افراد از طریق ارتباط شفاهی و مجاورت فیزیکی یکدیگر را کنترل می کنند؛ در سیستم سازمانی که وجه مشخص جامعه مدرن است، قواعدی برای ورود و خروج افراد به هر سازمان، تفکیک امور اجتماعی و تقسیم کار پیشرفته، و سلسله مراتب قدرت انسجام بخش در جامعه شکل می گیرد. سه مکانیزم تخصیص کارکردی، قواعد و مقررات، و وسیله ارتباطی مهمترین قواعد حاکم بر این سازمان ها برای کاهش پیچیدگی محیطی هستند. اما لومن، بر خلاف پارسونز، عامل یکپارچه کننده و انسجام بخش جامعه را نه ارزش ها و هنجارهای مشترک، بلکه وجود، اجرا و پایبندی به قواعد و قوانین رایج جامعه ای می داند. به نظر لومن سیستم جامعه‌ی دربردارنده سیستم های کنش متقابل و سازمانی است؛ اما شیوع و گسترش نظام های کنش متقابل سنتی (مانند خویشاوندی، رواج روابط غیر رسمی و...) و عدم رعایت نظام و اصول سازمانی (مانند عدم توجه به مقررات ورود و خروج به سازمان ها، عدم تقسیم کار، نبود سیستم اداری مناسب) می تواند باعث ناکارآمدی سیستم جامعه‌ی برای تقلیل پیچیدگی محیط سیستم شود. وضعیتی که می تواند زمینه بی اعتمادی به سازمان ها و کارکنان آنها را فراهم نماید (لومن، ۱۹۸۲).

اوفه (۲۰۰۶)^{۱۴} از دیگر نظریه پردازان مهم این حوزه، می گوید اعتماد به نهادها تنها با اعتماد به اطاعت داوطلبانه کنشگرانی که قوانین درباره آنها مصداق دارد و اعتماد به کنشگرانی که نظارت و اجرای آن قوانین به آنها محول گردیده است توجیه پذیر است. تنها به افراد می توان اعتماد کرد، چون آنها تنها واحدهایی هستند که توانایی اعتماد متقابل را دارند. اگر کارگزاری که در یک نهاد و برای آن نهاد فعالیت می کنند همه یا برخی از ارزش ها را نادیده بگیرند و یا رعایت ارزش ها در عملکرد آنها تجسم نیابد، توانایی آن نهاد به عنوان واسطه ایجاد اعتماد به شدت تضعیف می شود. نهادهایی که بتوانند اعضای خود را به حقیقت گویی و فضیلت، وفای به عهد، محترم شمردن قراردادهای، داشتن عملکردی منصفانه و بی طرفانه پایبند سازند، می توانند اعتماد را تعمیق دهند و چنین نهادهایی شایسته اطاعت هستند. برعکس ناتوانی در رعایت این معیارها، دلیل اصلی بی اعتمادی مردم به نهادها است (اوفه، ۲۰۰۶).

نظریه موازنه هزینه ها و پاداش های مورد انتظار فساد (رویکرد انتخاب عمومی^{۱۵}): این نظریه را می توان شاخه ای از رویکرد کلی "اقتصاد اجتماعی" یا "نظریه انتخاب عقلایی^{۱۶}" و حتی "مکتب مبادله" در نظر گرفت که در پی ارائه ی تبیینی اقتصادی از رفتارهای انسانی از جمله رفتارهای مفسدانه است و توسط صاحب نظرانی مانند گری^{۱۷} و کافمن^{۱۸} (۱۹۹۸) توسعه یافته است. این رویکرد با این فرض اساسی شروع می شود که همه ی کنشگران انسانی را در واقع می توان مشارکت کنندگانی در نظر گرفت که می خواهند از مجموعه ی ثابتی از ارجحیت ها، حداکثر منافع را کسب و حداقل هزینه ها پرداخت نمایند. در این نظریه، زنجیره علی بدین ترتیب است که فرد با اتخاذ تصمیمی عقلانی به نتایج از پیش تعیین شده و مشخص می رسد. در کانون این تئوری می توان به مأموران یا صاحب منصبانی اشاره کرد که برای به حداکثر رساندن منافع شخصی خود مرتکب فساد می شوند. در این نظریه فرد به مثابه کنشگر محاسبه گری توصیف می شود که زمانی تصمیم به فساد می گیرد که منافع و پاداش های مورد انتظار آن بیشتر از مضرات و هزینه های مورد انتظار (ترکیبی از مجازات های ممکن و احتمال دستگیری و جز آنها) باشد. در بخش رویکرد جامعه شناسانه، می توان از بسیاری دیگر از نظریات همانند

¹⁰ Luhmann

¹¹ Interaction system

¹² Organizational system

¹³ Community system

¹⁴ Offe

¹⁵ Public Choice Theory

¹⁶ Social Economics/ Rational Choice Theory

¹⁷ Gray

¹⁸ Kaufmann

رویگرد "مدیر- کارگزار- مشتری"، نظریه مبادله ای فساد از مارک گرانووتر^{۱۹}، دیدگاه های مارکیستی به فساد، چشم اندازهای هابرماس^{۲۰} به فساد و .. نام برد در این بخش به منظور جلوگیری از بحث های طولانی از بیان آنها خودداری می شود (کافمن و گری، ۱۹۹۸).

نظریه فرهنگی هافستد (۱۹۸۹)^{۲۱}: از مناسب ترین چارچوب ها برای فهم چگونگی اثرگذاری فرهنگ کشورها بر روی رفتار نظریه فرهنگی هافستد است. وی طبقه بندی از فرهنگ ها را ارائه می دهد شامل: فاصله ی قدرت^{۲۲}، پرهیز از شرایط نامتعین^{۲۳}، مردانگی یا زنانگی^{۲۴}، جمع گرایی یا فردگرایی^{۲۵} در توضیحی کوتاه در نظر هافستد، در کشوری که فاصله ی قدرت (پذیرش اجتماع از توزیع نابرابر قدرت در جامعه کمتر باشد قدرت بالادستان و زیردستان تقریباً برابر است و اساساً همین امر می تواند باعث تفاوت در بروز فساد در مقایسه با کشوری شود که فاصله قدرت در آن زیاد است. به همین ترتیب در کشوری که دارای پرهیز از عدم اطمینان (احساس تهدید از شرایط مبهم) زیاد است ارزش ها و هنجارهایی نظیر مهم بودن قانون، عدم تحمل افراد منحرف در جامعه و .. حکم فرما خواهد بود و در جوامعی که پرهیز از عدم اطمینان کم است ارزش ها و هنجارهای متفاوتی جریان خواهد داشت و هر کدام از این شرایط می تواند بستر را برای بروز و یا عدم بروز فساد به نحوی فراهم آورد (هافستد، ۱۹۸۹ و سینتیا^{۲۶}، ۲۰۱۴). هافستد معتقد است که در جوامع مردسالار، ارزش های حاکم پول و قدرت است که در چنین جوامعی بسیار بالا است اما در جوامع زنانه، ارزش ها بسیار ملایم تر و به سمت شفقت و همدردی گرایش دارد که بروز فساد در چنین جوامعی غیر محتمل تر است. در نهایت نیز وی به فردگرایی و جمع گرایی در جوامع نظر دارد. طبق تحقیقات هافستد در جوامع فردگرا، فرد خود را مسئول خود و خانواده می داند و سایرین چندان برایش مهم نبوده و از این رو معیار هر اقدامی منفعت آن برای خود و خانواده خواهد بود. به تبع در چنین جامعه ای می توان انتظار داشت که احتمال بروز فساد به مراتب بالاتر از جوامعی که جمع گرا بوده، بیشتر باشد (هافستد، ۲۰۱۲).

نظریه کنش بوردیو (۲۰۱۰)^{۲۷}: **تحلیل رغبت**^{۲۸}: بنا بر این نظریه پژوهش درباره ی فساد با استفاده از این نظریه بایستی بر تجربیات زیست های استوار باشد که افراد یا کارگزاران فساد (برای مثال مدیران، کارکنان و مأموران امور عام المنفعه) آن را تجربه کرده اند. به طور خاص می توان با روش های خاص پیشنهاد شده توسط بوردیو از جمله تحلیل رغبت ها ماهیت واقعی کنش های معطوف به فساد را درک و تفسیر کرد (بوردیو، ۲۰۱۰).

نظریه رهایی اخلاقی: نظریه رهایی / لاقیدی اخلاقی آلبرت بندورا^{۲۹} (۱۹۹۳) را می توان یکی از نظریه هایی قلمداد کرد که به بعد شناختی اخلاقیات و نقش بالقوه آن در امر فساد پرداخته است. در واقع، این نظریه را می توان بخشی از رویکرد یا نظریه کلان او با عنوان "نظریه شناخت اجتماعی" در نظر گرفت. طبق نظریه رهایی اخلاقی، تمایل افراد برای فراخوانی مکانیزم های شناختی است که ساختار دوباره ای به کنش های افراد می دهد؛ مسئولیت آنها را برای کنش هایشان به حداقل می رساند و حس پریشانی آنها بابت آزار دیگران را رقیق می سازد. در کل نظریه ی رهایی اخلاقی باندورا به تبیین این امر می پردازد که چرا افراد خاصی قادرند در رفتارهای غیر انسانی مشارکت کنند، بدون آن که پریشانی آشکاری از بابت آن داشته باشند (بندورا، ۱۹۹۳).

¹⁹ Mark Granwater

²⁰ Habermas

²¹ Hofsted

²² Power Distance

²³ Uncertainty Avoidance

²⁴ d Masculinity/femininity

²⁵ individualism/ collectivism

²⁶ Cynthia

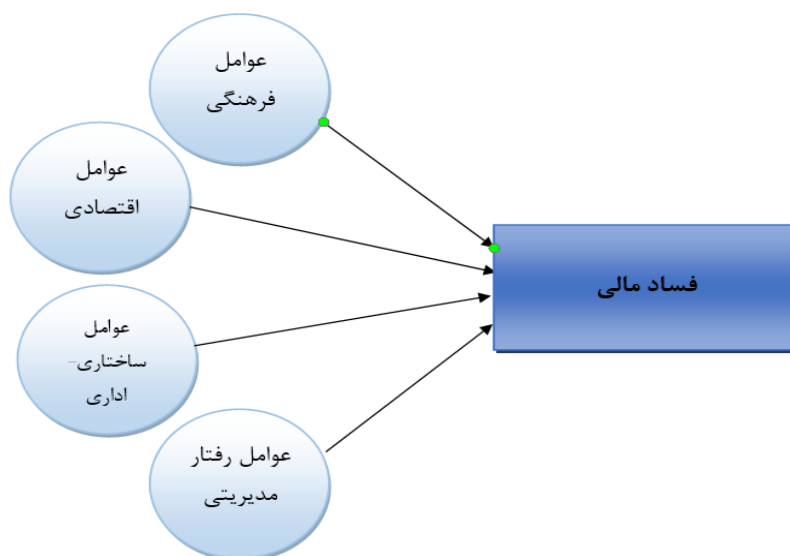
²⁷ Bourdieu

²⁸ Bourdieu's Action Theory: Towards a Disposition Analysis

²⁹ Bandura Albert

نظریه سیب بد^{۳۰}: در یک نگاه این تئوری که با عنوان سیب گندیده معروف است، چنین بیان می گردد که رفتار فسادآمیز، کنشی فردگرایانه است که در آن فرد برای دستیابی به نفع شخصی به عمل فاسد دست می زند. در این نظریه فرض بر این است که افراد بر مبنای ارزش های اخلاقی عمل می کنند. پس، این ارزش های غلط است که علت اصلی فساد به شمار می روند. در سخنی کوتاه زمانی که علت فساد را در ضعف ارزش های اخلاقی و رواج تمایلات بد روان شناختی مثل حرص و طمع افراد بدانیم، سیاست ها و مداخله های مربوط به فساد نیز تغییر می یابد. بدین ترتیب، می توان از تقویت اخلاقیات در سازمان و ارزش های اخلاقی قوی به عنوان پادزهری برای فساد و پیشگیری از آن استفاده کرد، هر چند که اتخاذ چنین سیاستی برای مبارزه با فساد مشکل و حتی غیر محتمل به نظر می رسد. در رویکرد روانشناختی، بیش از هر چیز بر علل و عوامل روانی به عنوان علت فساد تأکید می شود. کسانی که از مشکلات و بیماری ها و اختلالات روانی مختلف رنج می برند عامل ایجاد فساد می شوند. این اختلالات می تواند عاطفی، شناختی و غیره باشد. از جمله مهمترین نظریه مطرح در این رویکرد، نظریه رهایی اخلاقی از پاندورا است (عبدالرحیمیان و صادقیان، ۱۳۹۸).

مبانی نظری که منتج به ارائه مدل مفهومی پژوهش حاضر گردید، از ۱- مطالعات پورعزت (۱۳۹۰) در بعد اخلاق فرهنگی؛ ۲- مطالعات قلی پور (۱۳۹۱) در بعد جامعه پذیری ارزش های فرهنگی، مطالعات بلیر^{۳۱} (۲۰۰۴) در بعد توسعه مشارکت مردم در مبارزه با فساد اقتصادی؛ ۳- مطالعات عابدی و زرنندی (۱۳۸۹) در بعد استاندارد سطح زندگی و پورعزت (۱۳۹۰) در بعد ردیابی اموال و شفافیت و توسعه اداره امور در جهت شناسایی وجه اداری-ساختاری فساد مالی؛ ۴- مطالعات فرج پور (۱۳۸۳) در باب استقلال شغلی و پاسخگویی در برابر آن و مطالعات کرنی و هایز^{۳۲} (۱۹۹۴) در باب مشارکت کارکنان در تصمیم گیری در جهت بعد رفتار مدیران ۵- و نیز مطالعات کیانی و پورعزت (۱۳۹۲) در جهت بررسی عوامل موثر بر فساد مالی، به صورت زیر به دست آمد:



نمودار ۱- مدل مفهومی تحقیق (برگرفته از مطالعات و یافته های پورعزت (۱۳۹۰)، قلی پور (۱۳۹۱) بلر و همکاران (۲۰۰۴)، عابدی و همکاران (۱۳۸۸)، فرج پور (۱۳۸۴)، کرنی و همکاران (۱۹۹۴)، کیانی و پورعزت (۱۳۹۲))

فرضیه های پژوهش

عوامل فرهنگی بر امکان بروز فساد مالی در بانک های دولتی شهرستان جهرم تاثیرگذار است.
عوامل اقتصادی بر امکان بروز فساد مالی در بانک های دولتی شهرستان جهرم تاثیرگذار است.
عوامل ساختاری-اداری بر امکان بروز فساد مالی در بانک های دولتی شهرستان جهرم تاثیرگذار است.

³⁰ The Theory of Bad Apple

³¹ Blair

³² Kearney, R. C., & Hays, S. W.

عوامل رفتار مدیریتی بر امکان بروز فساد مالی در بانک های دولتی شهرستان جهرم تاثیر گذار است.

روش شناسی پژوهش

با توجه ماهیت موضوع، این پژوهش از نظر هدف کاربردی است. از آنجایی که جهت گردآوری داده های توصیفی از کتاب، مجلات و سایت های معتبر علمی استفاده گردیده و جهت گردآوری اطلاعات جمعیت آماری، از ابزار پرسشنامه استفاده گردید، بنابراین تحقیق حاضر، پژوهشی توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه پرسنل در بانک های دولتی شهرستان جهرم به تعداد ۱۲۰ نفر می باشد که با توجه تعداد محدود آنها، تمام آنها با روش تمام سرشمار به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز بعد از فرم اطلاعات فردی که شامل جنسیت، تحصیلات، سن، و ... می باشد؛ دیگر اطلاعات مورد نیاز نیز با ابزار پرسشنامه محقق ساخته ی ۴۹ سوالی به شرح زیر به دست آمد. ابعاد آن عبارتند از : ۱- عوامل فرهنگی(سوالات ۱-۱۵)، ۲- عوامل اقتصادی(سوالات ۱۶-۲۱)، ۳- عوامل ساختاری-اداری(سوالات ۲۲-۳۷) و ۴- عوامل رفتار مدیریت (سوالات ۳۸-۴۹) و به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه ای (کاملاً موافقم=۵، ..، کاملاً مخالفم=۱) تدوین شد. پس از نظارت و تایید سوالات توسط اساتید و خبرگان در این حوزه، آلفای کرونباخ آن، ۰/۷۸۱ به دست آمد. بنابراین پایایی آن مطلوب، گویه های پرسشنامه از اعتبار کافی برخوردار و هماهنگی گویه ها، یکسان می باشد. پس از تکمیل پرسشنامه ها، اطلاعات به دست آمده، وارد نرم افزار آماری SPSS نگارش ۲۵ شده به بررسی آمار توصیفی و استنباطی پرداخته شد. از آزمون های ضریب رگرسیون جهت بررسی فرضیات تحقیق و مشاهده رد و تایید فرضیات استفاده شد.

یافته های پژوهش

جدول ۱- توزیع فراوانی ویژگی جمعیت شناختی نمونه آماری

درصد فراوانی	فراوانی		
۹۳/۳	۱۱۲	متاهل	وضعیت تاهل
۶/۷	۸	مجرد	
۱۰۰	۱۲۰	مجموع	
۳۵	۴۲	سال ۳۵-۲۵	سن
۳۳/۳	۴۰	سال ۴۵-۳۶	
۱۶/۷	۲۰	سال ۵۵-۴۶	
۱۵	۱۸	سال ۵۵ و بالاتر	
۱۰۰	۱۲۰	مجموع	
۵۰/۸	۶۱	کارشناسی	تحصیلات
۳۴/۲	۴۱	کارشناسی ارشد	
۱۵	۱۸	دکتر	
۱۰۰	۱۲۰	مجموع	

با توجه به نتایج آزمون توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی، بیشترین توزیع فراوانی نمونه آماری در افراد متاهل (۹۳/۳ درصد) در بازه سنی ۲۵-۳۵ سال (۳۵ درصد) با سطح تحصیلات کارشناسی (۵۰/۸ درصد) مشاهده شد.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر عوامل موثر بر فساد مالی

سطح	۴	ضرایب استاندارد نشده		۱۰
		ضرایب استاندارد شده	انحراف معیار	
۰/۰۰۱	۲۵/۶۰۹	۰/۵۱۸	۲۱/۹۱۶	فساد مالی
۰/۰۰۱	۱۲/۱۲۴	۰/۸۸۵	۰/۱۶۱	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۱	۴۵/۵۰۹	۰/۶۳۹	۰/۰۴۲	اقتصادی
۰/۰۰۱	۱۱/۱۳۶	۰/۵۳۷	۰/۲۱۱	ساختاری- اداری
۰/۰۰۱	۲۹/۹۴۳	۰/۳۰۱	۲۲/۵۳۶	رفتار مدیریتی

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد به ترتیب اولویت، عوامل اقتصادی به میزان بتای ۰/۸۸۵، عوامل ساختاری اداری به میزان بتای ۰/۶۳۹، عوامل رفتار مدیریتی به میزان بتای ۰/۵۳۷ و عوامل فرهنگی به میزان بتای ۰/۵۱۸ بر بروز فساد مالی به طور مستقیمی (با توجه به علامت آماره t) موثرند و فرضیه تایید شد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه گیری

فساد مالی از عوامل بازدارنده توسعه پایدار در هر کشور محسوب می شود. فساد مالی، جرم مهمی است که در صورت شیوع، ساختار اقتصادی جامعه را مختل می کند؛ به همین دلیل مطالعه در راه کارهای پیش گیری از این جرم و به کارگیری تدابیر لازم در این زمینه، حتی اگر بیشترین هزینه ها را به دنبال داشته باشد، به نفع جامعه و برای بقای آن ضروری است. در واقع برنامه پیش گیری از فساد مالی را از مراحل ابتدایی رشد افراد باید شروع کرد و تا نظارت بر کار دستگاه های اداری و اجرایی توسعه داد. اهمیت مطالعه عوامل مؤثر بر فساد اداری - مالی از طریق پی بردن به آسیب ها و پیامدهای این پدیده بیشتر نمایان می شود. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، عامه مردم، سازمان ها و رسانه ها به فساد اداری - مالی به عنوان تنها عامل اصلی تحت سلطه دیگران بودن و رشد اقتصادی ضعیف نگاه می کنند. فساد اداری- مالی از موانع اصلی در توسعه است. فساد اداری- مالی بر پایین آمدن سطح سرمایه گذاری های خصوصی تأثیر می گذارد و به شکل معنادار و واضحی، سرمایه گذاری های مستقیم خارجی را کاهش می دهد و این روند به بحران های مالی و تخصیص منابع فرعی، تحریف هزینه و بازده دولت، درآمد زیاد و نابرابر و فقر، تورم و ضعیف شدن استانداردهای زندگی کمک می کند. وجود فساد زیاد، موفقیت اجتماعی را کم می کند، سطح سرمایه انسانی را کاهش و اعتماد به نفس را از بین می برد. این پیامد ها و آثار منفی فساد، لزوم پژوهش های دامنه دار در زمینه فساد اداری- مالی را که منشا فساد در جامعه است، بیش از پیش مورد تاکید قرار می دهد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش های آبراهام و همکاران (۲۰۲۰)، دایمنسیسکو (۲۰۲۰)، لونتیس (۲۰۲۰)، جنسیس (۲۰۱۹)، تانگ و همکاران (۲۰۱۸)، گارسیرا و همکاران (۲۰۱۸)، بوگاتف (۲۰۱۷)، منصوری و همکاران (۱۳۹۷)، خضری و همکاران (۱۳۹۶)، کریمی پور و مهدوی (۱۳۹۶) و رحیمی و خوئینی (۱۳۹۵) همسو بود. همگی آنها به این نتیجه رسیدند عوامل فرهنگی، اقتصادی، ساختاری اداری و مدیریتی بر فساد مالی موثر است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود عوامل دیگر مانند فساد سیاسی (درگیر شدن سیاست با بخش خصوصی و بخش کسب و کار)، فساد رسانه ای (دستکاری اطلاعات)، خویشاوند گرایی در انتصابات، لابی گرایی و ... نیز مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و در جهت رفع و بهبود آن اقدام نمایند. همچنین پژوهش حاضر در بازه زمانی بیشتری انجام گیرد. زیرا صحت و دقت تحقیق افزایش می یابد و شرایط سلامت سازمانی، فردی، اجتماعی و روحی جامعه آماری در زمان های مختلف، متفاوت است. پیشنهاد می شود پژوهش حاضر در دیگر شهرها نیز اجرا و نتایج تحقیق حاضر با نتایج آنها مقایسه گردیده دلایل و عوامل بررسی گردند.

منابع

- [۱] اوفه، کلاوس. (۲۰۰۶). چگونه می توان به شهروندان اعتماد داشت؟ در پاتنام و دیگران، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تدوین کیان تاجبخش، مترجم افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- [۲] بندورا، آلبرت. (۱۹۹۳). نظریه رهایی اخلاقی و یادگیری اجتماعی. ترجمه فرهاد ماهر. شیراز: رهگشا.
- [۳] بهشتی، صمد و خان محمدی، احسان. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ادراک از فساد و عوامل مرتبط با آن. جامعه شناسی کاربردی. سال سی و یکم. شماره ۴، ۴۵-۷۲.
- [۴] بوردیو، پیر. (۲۰۱۰). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها (چاپ سوم). تهران: انتشارات نقش و نگار و موسس انتشارات فلسفه.
- [۵] پارسونز، تالکوت. (۱۹۹۷). جامعه شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
- [۶] پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۰). میانی مدیریت دولتی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- [۷] نورعلی دخت، حمید (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مدیریتی مؤثر بر فساد اداری - مالی (مورد مطالعه ناجا). فصلنامه نظارت و بازرسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، از صفحه ۱۳ تا ۵۲.
- [۸] خضری، محمد؛ تربتی مقدم، فرهاد و نظری، محمدرضا. (۱۳۹۶). شناسایی زمینه های فساد اقتصادی در مناقصه های دولتی. نشریه اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۲، ۱-۲۴.
- [۹] رحیمی، امین حسین؛ خوئینی، غفور. (۱۳۹۵). بررسی عملی وضعیت اجرای قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، دانش حسابداری، ۶۲، ۵-۲۴.
- [۱۰] زرنندی، سعید؛ حمیدی حساری، یاسین و معدنی، جواد. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری در سازمان های دولتی ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد. سال بیست و چهارم. شماره ۹۱، ۱۶۵-۲۰۲.
- [۱۱] عابدی، حسن و زرنندی، سعید. (۱۳۸۹). طراحی سیستمی به منظور اطمینان از صحت اموال اعلام شده توسط مسئولان (بررسی ۱۱ کشور). پژوهش نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. شماره ۵۲.
- [۱۲] عبدالرحیمیان، محمد حسین؛ صادقیان، محمد. سلامت و فساد اداری و نظریه های مرتبط با آن. کنفرانس ملی اندیشه های نوین در مدیریت کسب و کار. انجمن علمی بازاریابی ایران. تهران- بهمن ۱۳۹۷.
- [۱۳] فرج پور، مجید. (۱۳۸۳). موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد. موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۱۴] قلی پور، آرین. (۱۳۹۰). مدیریت منابع انسانی، مفاهیم، تئوری ها و کاربردها. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- [۱۵] کریمی پور، عیسی و مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه های دولتی از دیدگاه حسابرسان دیوان محاسبات استان های فارس و کرمان. حسابداری دولتی. سال چهارم، شماره ۱، ۷۳-۸۶.
- [۱۶] کیانی، پاکنوش و پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان های دولتی و موسسات پژوهشی. مطالعات کمی در مدیریت. سال چهارم. شماره ۳، ۱۹-۴۶.
- [۱۷] محمدی بارزبلی، خدیجه. صورآذر، توحید و صورآذر، پرویز. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر فساد اداری در سازمان های دولتی در اداره صنعت، معدن و تجارت شهر اردبیل. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. شماره نهم. ۹۴-۱۰۴.

- [۱۸] منصوری، فردین؛ حسینی قمی، مزگان و مصلحتی، حسین.(۱۳۹۷). زمینه های اجتماعی رواج فساد اقتصادی(مالی) و اداری شهرداری های مناطق و بانک ها(صادرات و پاسارگاد) در شهر تهران. مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۱. ۱۰۱-۱۲۳.
- [۱۹] مهدوی، غلامحسین.(۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه های دولتی از دیدگاه حسابرسان دیوان محاسبات استان های فارس و کرمان. فصلنامه حسابداری دولتی سال چهارم، شماره ۱ صص ۷۳-۸۶.
- [۲۰] نورعلی دخت، حمید.(۱۳۹۶). شناسایی عوامل مدیریتی مؤثر بر فساد اداری- مالی در ناجا. فصلنامه نظارت و بازرسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۴-۵۱.
- [21] Abraham, J., Kurniadi, M. A., Andangsari, E. W., Ali, M. M., Manurung, R. H., & Warnars, H. L. H. S. (2020). Prediction of guilt and shame proneness based on disruption to psychological contract: A new light for corruption prevention. *Heliyon*, 6(6), e04275.
- [22] Blair, R. (2004). Public Participation: Two- Way Mirror. *International Journal Of Social Economic*, Vol.32.No.5.
- [23] Bougatef, K. (2017). Determinants of bank profitability in Tunisia: does corruption matter?. *Journal of Money Laundering Control*. 22(4), 38-59.
- [24] Chantziaras, A., Dedoulis, E., Grougiou, V., & Leventis, S. (2020). The impact of religiosity and corruption on CSR reporting: The case of US banks. *Journal of Business Research*, 109, 362-374.
- [25] Cynthia;. (2014). A Contingency theory of corruption: The effect of human development and national culture. *The Social Science Journal*, 42(1), 76-91.
- [26] Gorsira, M., Steg, L., Denkers, A., & Huisman, W. (2018). Corruption in organizations: Ethical climate and individual motives. *Administrative Sciences*, 8(1), 4.
- [27] Hofstede, G (1989) Organising for cultural diversity. *European Management Journal*, 7(4), 390-397.
- [28] Jain, P.K., Kuvvet, E. & Paganoc M.S. (2017). "Corruption's Impact on Foreign Portfolio Investment". *International Business Review*, 26, 23-35.
- [29] Jancsics, D. (2019). Corruption as resource transfer: An interdisciplinary synthesis. *Public Administration Review*, 79(4), 523-537.
- [30] Kaufmann, D; Gray, C;. (1998). Corruption and Development. *Finance and Development*, 35(1), 7-10.
- [31] Kearney, R. C., & Hays, S. W. (1994). Labor--Management Relations and Participative Decision Making: toward a New Paradigm. *Public Administration Review*, 54(1), 44-51
- [32] Kohler, J. C., & Dimancesco, D. (2020). The risk of corruption in public pharmaceutical procurement: how anti-corruption, transparency and accountability measures may reduce this risk. *Global Health Action*, 13(sup1), 1694745.
- [33] Luhmann, N (1982) *The Differentiation of society*, New York.
- [34] Tang, T. L. P., Sutarso, T., Ansari, M. A., Lim, V. K., Teo, T. S., Arias-Galicia, F., & Adewuyi, M. F. (2018). Monetary Intelligence and Behavioral Economics: The Enron Effect Love of money, corporate ethical values, Corruption Perceptions Index (CPI), and dishonesty across 31 geopolitical entities. *Journal of Business Ethics*, 148(4), 919-937.